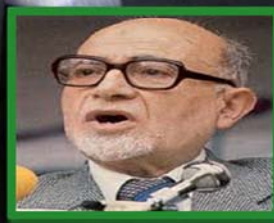
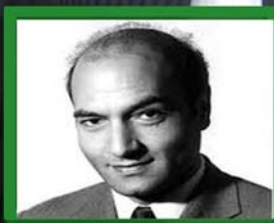




روزهای خوب در پیش ...



بسم رب النون والقلم

مرغ سحر

سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز :

محمد علی احمدی

مدیر مسئول و

سر دبیر

محمد حسن کاظمی پوران



دانشگاه شاهرود

تقدیم به :

امام عصر (عج)

حجت ابن الحسن العسکری

۰۹۱۰۹۸۶۱۱۳۶

پل ارتباطی:

morghsahar.v@gmail.com



مشاور فنی :

محمد رضا حاج سعیدی

طراحی جلد :

محمد خدایی

صفحه آرایی :

محمد حسن کاظمی پوران

همکاران :

محمد رضا رنجبری ، امیر حسین
خمسہ نژاد ، دانیال کیقبادی ، جواد
آزاد پور ، سید بهروز دزفولی ، امیر
حسین شفیعی

اندکی صبر سحر نزدیک است ...

فاطمه ، فاطمه است ...



خواستم بگویم فاطمه دختر خدیجه بزرگ
است

دیدم فاطمه نیست

خواستم بگویم که فاطمه دختر محمد است

دیدم که فاطمه نیست

خواستم بگویم فاطمه همسر علی است

دیدم که فاطمه نیست

خواستم بگویم که فاطمه مادر حسین است

باز دیدم که فاطمه نیست

نه این ها همه هست و این همه فاطمه نیست.

فاطمه ، فاطمه است...

نمونه ای که به نام امام، به نام اسوه، به نام سرمشق در تاریخ ما وجود دارند و بالاخص در فرهنگ شیعی، همه در یک خانواده، در یک اتاق ۳×۴ جمعند؛ خانواده ای که هرکدامشان سرمشقند: حسن بودن در صلح، حسین بودن در جهاد و شهادت، زینب بودن در سنگین ترین رسالت اجتماعی عدالت و حق، فاطمه بودن در زن، و علی بودن در همه چیز!

چشمانت راز آتش است ...



آری بخندید...

خنده دار است...

براین روزگار بیهوده ما بخندید حق هم دارید.

براین بازی بچگانه دنیا بخندید.

از ته دل مے نویسم برایتان:

عاشق خنده هایتان هستم.

دوستتان دارم.

هوامونو داشته باشید.

سخن سردبیر

منفی ۳: به نام خدا و برای خدا
منفی ۲: ما در شروع قسم خورده ایم حق
را کتمان نکنیم.

منفی ۱: تشکر از همه دوستای گلم
مخصوصا مهندس یونس جاهدی و مهدی
حیدرزاده این دو معلم و مشاور من بودند و
هستند. و همچنین هم اتاقی های عزیزم
که خستگی های منو تحمل کردن وظیفه
خودم می دونم اینجا از تک تکشون تشکر
کنم: آقایان صیادی، آقایی، محمدی،
راحت و جهانگیری. اگه یاری شما نبود این
نشریه هم نبود.

صفرم: از بچگی می خواستم دنیا رو تغییر بدم،
معلمم به من گفت اول باید خودت رو تغییر بدی
از اون روز ۷ سال می گذره و من هر روز به جای
پیشرفت در حال پسرفت هستم. آقا خیلی سخته،
خیلی ...

آخر: اساتید اخلاق بر این اعتقاد دارند که نماز
اول وقت انسان رو به مراتب عالی می رسونه
(حتی اگر بدون حضور قلب باشه).

سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۳۹
وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ
مُؤْمِنِينَ ﴿۱۳۹﴾

و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید
اگر ایمان داشته باشید!

بالا تر از خبر

وداع باستاندیزگ: درگذشت محمد ابراهیم باستانی پاریزی

استاد محمد ابراهیم باستانی پاریزی، نویسنده و پژوهشگر و استاد دانشگاه ۶ فروردین در سن ۸۹ سالگی از دنیا رفت. باستانی پاریزی یکی از محبوب ترین اندیشمندان و اساتید ایران و یکی از افتخارات فرهنگ ایران معاصر به شمار می آمد. پاریزی که کتاب معروفش «از پاریز تا پاریس» نقشی عظیم در ایجاد پلی میان اندیشه دانشگاهی در حوزه تاریخ و افکار عمومی داشت، همواره طبعی شوخ و سرزندگی خود را حفظ کرد و هر لحظه با او بودن لذت بخش و امیدوار کننده بود. روانش شاد و نامش در فرهنگ ایران پایدار باد.



SMS تبریک سال نو

خیلی ها از دیدن پیامک تبریک سال نو رئیس جمهور خوشحال شدن و این کار دکتر روحانی رو نوعی ارزش قائل شدن و احترام تلقی کردند (چیزی که در ۸ سال گذشته کمتر مشاهده شد) و اما به افرادی که نگران هزینه این پیامک ها برای دولت هستن باید گفت: این پیامک ها برای اپراتوری که روزانه ده ها پیامک تبلیغاتی برای کاربران خود می فرسته هزینه چندانی نداره و اپراتورها از نهاد ریاست جمهوری هزینه ای نگرفتند با این حال اگر هم هزینه ای گرفته باشند ارزش لبخند مردم خسته دل رو داشت . روحانی مچکریم .



تعداد دانشگاه هایی که رئیسشان در سال ۹۲ عوض شدند . آخرینشان دانشگاه تهران است که با برکناری فرهاد رهبر فعلاً دست سرپرست موقت است و البته دانشگاه خودمون که با رفتن دکتر مراد زاده ، دکتر فاتح سکان دار این کشتی شدند . دانشگاه علامه طباطبائی مهم ترین و پر سر و صداترین تغییر ریاست را داشت که یک عده از آن خیلی خوشحال و یک عده دیگر خیلی ناراحت شدند ! با این تغییرات احتمالاً سال بعد ، باید منتظر تحولاتی در بخش آموزش باشیم.

۲۲

تحصیلات

نسبت دخترهای کنکور به پسرها همچنان در همان حدود ۶۰ - ۴۰ دور می زند . دختر ها نه تنها ول کن دانشگاه و ادامه تحصیل نیستند ، بلکه کنکور کارشناسی ارشد را هم به تصرف خودشان در آوردند و با نسبت ۵۱ به ۴۹ از پسرها جلو افتادند . در کنکور دکترای امسال گرچه کل شرکت کننده ها ۳۹ هزار نفر بیشتر شده بودند ، ولی دختر ها هنوز به آن حد از ادامه تحصیل گیر نداند و با حضور ۴۱ درصدی ، ۵۹ درصد پسرها را به دوره دکتری راه دادند!

برای آگاهی از زمان انتشار شماره بعد نشریه نام، نام خانوادگی، رشته تحصیلی و سال ورود خود را به شماره زیر ارسال نمایید

به ما بپیوندید

۰۹۱۰۹۸۶۱۱۳۶

morghsahar.v@gmail.com

رسانه برتر برای
تبلیغات
جای شما خالیست
با ما تماس بگیرید ...

.....

۰۹۱۰۹۸۶۱۱۳۶

پای صحبت سید...



در این صفحه گزیده سخنان سید محمد خاتمی با دانشجویان را از کتاب «در ستایش دانشگاه» خواهید خواند.

دانشگاه مرکز پرسش

خدا را شکر بکنیم که خداوند این نعمت را به ما داده که در مسیر تحصیل علم هستیم، علم فضیلت است و کسی که علم دارد با فضیلت است ولی یک وقتی خودمان باورمان نشود که ما برتر از دیگرانیم. چون معتقد به تساوی جوهر انسان‌ها هستیم، به همان اندازه که آگاهی شما بیشتر می‌شود، مسئولیت شما هم برای استقرار عدالت و تساوی در جامعه بیشتر می‌شود، یعنی نسل دانشجو و دانشگاهی ما که فضیلت علم و آگاهی دارد، مسئولیت بیشتری هم برای استقرار جامعه مدنی، استقرار جامعه‌ای که انسان‌ها در آن جامعه صاحب حقوق‌اند و باید به حقوقشان برسند دارند و این مسئولیت برای افراد هم زیاد می‌شود.

توبه از یک نظریه علمی!!!!

ببینید مسئله چقدر مشکل می‌شود. یک نفر یک نظریه علمی داده چون عقل ناقص کلیسا یک چیز دیگر می‌فهمیده و آن را عین حقیقت می‌دانسته، جلوی این علم ایستاده که یا توبه کن یا کشته بشو! وقتی گالیله را برای توبه بردند قرار بود که اگر توبه کنند ناقوس کلیسا به صدا درآید. آقای گالیله دو دسته شاگرد داشت، یک عده خیلی داغ و تند بودند و می‌گفتند نه خیر گالیله توبه نمی‌کند یا حقیقت را قربانی مصلحت نمی‌کند و جانبازی می‌کند و از نظریه‌اش دفاع می‌کند. یک عده دیگر آدم‌های عاقل تر و معتدل تر، یا محافظه‌کار بودند و می‌گفتند: نه! مهم این است که گالیله بماند. حالا اگر او بگوید زمین می‌گردد و او را در کلیسا مجبور کردند، نظریه علمی او که آسیب نمی‌بیند. مهم این است که گالیله بماند. به ظاهر گالیله توبه می‌کند و بعداً می‌آید کار علمی خود را ادامه می‌دهد،

قرار مون نبود...

روایت حاج احمد خمینی از تأکید امام بر عدم ورود نظامیان به سیاست.

به مناسبت روز تشکیل سپاه پاسداران
۲ اردیبهشت

درحالی که برخی در تلاش برای تحریف دیدگاه‌های امام خمینی و موجه جلوه دادن دخالت نظامیان در سیاست هستند؛ تأکید بر مخالفت امام با ورود نظامیان به سیاست از سوی حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خمینی در دیدار با سرتیپ ستاری فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و فرماندهان و پرسنل این نیرو، به خوبی می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت این باشد.

امام خمینی در ۲۴ اسفند ۱۳۶۰ با صراحت تأکید می‌کند: «ورود سیاست در ارتش شکست ارتش است، این را باید بدانید و شرعاً جایز نیست» امام خمینی در سخنانی به مناسبت سالروز تولد امام هشتم(ع) در جمع مسئولین نظام می‌گوید: «همه دنیا که دنبال این هستند که ارتش‌شان از امور سیاسی کنار باشد، آن‌ها یک چیزی می‌فهمند که می‌گویند این را - ما که می‌خواهیم که سپاه و ارتش جندالله باشند و دسته‌بندی نداشته باشند و جهات سیاسی را کنار بگذارند، برای اینکه اگر جهات سیاسی و مناقشات سیاسی در سپاه رفت و در ارتش رفت، باید فاتحه این سپاه و ارتش را ما بخوانیم.»

«برای سپاهی‌ها جایز نیست که وارد بشوند به دسته‌بندی، و آن طرفدار آن یکی، آن یکی طرفدار آن یکی. به شما چه ربط دارد که در مجلس چه می‌گذرد؟ در امر انتخابات باز هم به من اطلاع دادند که بین سپاهی‌ها هم باز صحبت هست. خوب! انتخابات در محل خودش دارد می‌شود، جریانی دارد، به سپاه چه کار دارد که آن‌ها هم اختلاف پیدا کنند؟ برای سپاه جایز نیست این. برای ارتش جایز نیست این. سپاهی را از آن تعهدی که دارد، از آن مطلبی که به عهده اوست باز می‌دارد و همین‌طور ارتش را. و ما در گفتارمان، در کردارمان که در محضر خدای تبارک و تعالی واقع است، باید فکر بکنیم...»

امام خمینی همچنین در وصیت‌نامه خویش در بند مستقلی خطاب به قوای مسلح می‌گوید: «وصیت اکید من به قوای مسلح آن است که همان طور که از مقررات نظام، عدم دخول نظامی در احزاب و گروه‌ها و جبهه‌ها است به آن عمل نمایند؛ و قوای مسلح مطلقاً، چه نظامی و انتظامی و پاسدار و بسیج و غیر اینها، در هیچ حزب و گروهی وارد نشده و خود را از بازیهای سیاسی دور نگه دارند.»

در همین موقع ناقوس کلیسا به صدا درآمد، یعنی آقای گالیله توبه کرده و گفته: نخیر، غلط کردیم زمین به دور خورشید نمی‌گردد، بلکه خورشید به دور زمین می‌گردد آقای گالیله که آمد، آن دانشجویان تند و تیز پریدند جلو و حتی بی‌حرمتی کردند و گفتند: «وای به حال مردمی که تو قهرمان آنان باشی!» گالیله سرش را پایین انداخت و آرام یک کلمه جاودانه گفت. گفت: «وای به حال مردمی که نیاز به قهرمان داشته باشند و قهرمان بخواهد آن‌ها را نجات بدهد، چون هیچ وقت نجات پیدا نمی‌کنند.»

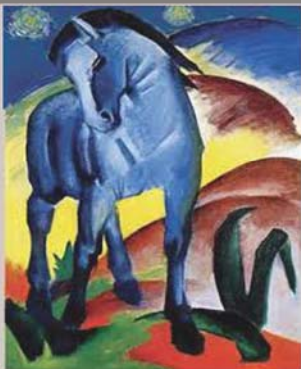
مردم خودشان قهرمان‌اند. قرآن به روشنی و سادگی این مسئله را مطرح کرده، آن جایی که میراث بری انسان‌ها و مستضعفان از زمین را می‌گوید و آن عصر طلایی زندگی عادلانه و مساوات انسانی را در ضمن لوی حضرت ولی‌عصر (عج) بیان می‌کند و می‌گوید: «نزد ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین». یعنی خدا می‌گوید که من اراده کردم که مردم و محرومان و ستمدیدگان و کسانی را که حقوقشان ضایع شده، آقای زمین بکنم و همه‌ی مردم قهرمان بشوند. جامعه‌ی مطلوب جامعه‌ای است که همه در آن امام باشند.

البته مدار و محور جامعه‌ی مطلوب، امام کامل و معصوم است. اما امام یک الگوست. **مردم همه امام اند.**

شماها در شعارهایی که می‌دهید متوجه باشید که قهرمان و امید، شماها هستید. اصلاً انقلاب اسلامی ما برای این به وجود آمد که به انسان‌ها بگوید صاحب حق هستید و بیایید بر سرنوشت خود حاکم باشید. به خصوص شما آدم‌هایی که اهل فکر، دانش و چون و چرا هستید، استادان بزرگوار و دانشجویان عزیز، هم باید این موقعیت خود را بشناسید و هم سعی بکنید این موقعیت را در جامعه بسط بدهید.

دانشگاه تبریز ۱۳۷۷. ۹. ۱

کافه هنر



Paul Klee



۶۱ سال از مرگ پل کله میگذرد؛ نقاش نابغه سوئیسی که ۲۹ ژوئن ۱۹۴۰ در برن درگذشت و در کارش از سبک‌های مختلف هنری، از جمله؛ دریافتگری، کوبیسم و سورئالیسم تأثیر گرفت. او هنرمندی نواندیش بود که به سبب تخیل خلاق و آفرینش گسترده و متنوعش، یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های هنر مدرن به شمار می‌آید. پل کله هم استاد است و هم نقاش. هم معلم است هم هنرمند. آدمی است که با تمام وجود به کائنات رخنه کرده از زمین و آسمان الهام گرفته است. چیزهایی را بیان کرده که خیلی از هنرمندان بزرگ این قرن نتوانستند. شاید یکی از آن‌ها را گرفته‌اند و رفته‌اند به جلو؛ ولی او از هر گلی شکوفه‌ای به ما اهدا می‌کند. آدمی است که اندیشه هایش را از ماوراءالطبیعه دریافت می‌کند. هنرمندی است که وقتی نقاشی می‌کند نماز می‌خواند. نقاشی می‌کرده و به چرخ دعا پناه می‌برده. خودش می‌گوید این مغز من نیست که فرمان می‌دهد، این دست من نیست که طراحی می‌کند، من در آن دوردست‌ها دوستان سیاه و سفیدی دارم. آن‌ها به من می‌گویند که چه باید بکنم. چه بسا هفته‌ها و ماه‌ها در انتظار می‌نشینم بدون اینکه بتوانم کاری انجام دهم تا آن الهام لازم به من برسد و بتوانم به خلاقیت دست بزنم. هنرمندی نیست که ابتدا به ساکن هر چرند و پرندی را روی کاغذ بیاورد. از چنین دریچه‌ای به کار هنر نگاه می‌کند. جنبه کاملاً عرفانی در آن است. همیشه می‌گوید اشراق را دست‌کم نگیرید، عرفان را در هنر فراموش نکنید. این آدم یک عارف است. همیشه می‌گوید ما نباید از کار طبیعت تقلید کنیم ما باید از خود طبیعت تقلید کنیم؛ پس ما باید طبیعتی را بیافرینیم که شانه به شانه آفریدن آفریدگار آسمان‌ها و زمین باشد. او از کار کودکان و دیوانه‌ها خیلی تقلید می‌کند. نقاش کودکان و دیوانگان بود. از کار شرقی‌ها استفاده کرده و همه چیز را مورد استفاده قرار داده است. محسن وزیری مقدم/نقاش و مجسمه ساز



یک مرد

این شماره مهندس بازرگان

محمد حسن کاظمی پوران

hasankazemi.7@gmail.com



مردی که قرار بود بنا به تخصصش، مهندسی کند و بنا به ذوقش، مطالعات مسلمانی، سر از سیاست درآورد تا هر سه را در عمل بیاموزد که می‌توان تخصص را در خدمت اهداف بلند و سیاست را در زعامت اصول عالی اخلاقی آورد. بدین ترتیب، بعد سوم سیاست بر مهندس بازرگان نواندیش دینی افزود.

مهندس بازرگان درباره چرایی ورود به گود سیاست می‌گوید:

« من همیشه طرفدار این فکر بودم که در مملکت هر وقت نانوا نانش را خوب پخت، زارع محصول خوب بیرون آورد، معلم، معلم خوبی بود... مملکت درست می‌شود. اما یک وقت است که از تو سلب اطمینان می‌شود و می‌بینی در نان از هر کثافتی وجود دارد، گوشت قصاب عوض گوشت گوسفند مردار سگ است... در این صورت چه خواهی کرد؟ جز این که خودت در خانه تنور بزنی در امر مملکت هم همین طور است، وقتی مسئولین و متصدیان به وظایف خود عمل نکردند، بلکه خلاف آن را انجام دادند، دزد و خائن بودند، نمی‌شود ساکت نشست، همه کس مجبور است همه‌کاره بشود. استاد دانشگاه هم به داد و فریاد سیاسی پردازد. وضع مملکت مانند آتش گرفتن خانه بود که هر کس از بزرگ و کوچک باید هر چه در دست و هر کاری دارد زمین بگذارد و به سر و صدا و چاره‌جویی و خاموش کردن آتش خانه پردازد. »

سیاست گام به گام بازرگان در هیچ دوره‌ای موفق نبود و هیچ‌گاه صدای منادی آن شنیده نشد. پیش از انقلاب صدایش را در دادگاه تجدیدنظر نظامی نشنیدند و پس از انقلاب هم صدایش مابین صدای بلند انقلابیون گم شد تا سیاست گام به گام همیشه ناکام بماند و باورمند به آن همیشه در تبعید و زندان و انزوای سیاسی. گام به گام بازرگان در هیچ گروه و دسته سیاسی، در زمان خود مورد پذیرش قرار نگرفت و هیچ کس همگام گام به گام بازرگان نشد.

بازرگان ضمن تفکیک دو « شیوه انقلابی » و « شیوه انتظامی » از انقلابیون می‌پرسید: « شما انقلابی هستید و مکتبی ولی باید فهمید که آیا انقلاب وسیله است یا هدف و هر عملی که با خشونت و قاطعیت صورت گیرد آیا انقلاب اسلامی است؟ » او شیوه انتظامی را نیز این‌گونه تعریف می‌کرد: « شیوه و رویه‌ای که در آن نظم و پیش‌بینی و اصول علمی و عقلی در آن رعایت می‌شود. » در مقابل « شیوه انقلابی » که ملت و اجتماعی یا توده‌ی بی‌شکلی از مردم چیزی را می‌خواهند... از این رو بود که مرد گام به گام سیاست ایران دیگر نتوانست در این فضا قدم از قدمی بردارد و مجبور به استعفا شد.

آخرین نکته، اما نه کم اهمیت‌ترین نکته این است که بیش از آن که بازرگان سیاستمدار لیبرال باشد، بازرگان روشنفکر دینی است و البته سیاست ورزی بازرگان در دین‌داری بازرگان ریشه دارد، و تفکیک این دو لااقل در بازرگان متقدم، کار چندان ساده‌ای نیست. بنابراین می‌توان گفت فعالیت‌ها و اندیشه سیاسی بازرگان ذیل اندیشه دینی وی قرار می‌گیرد، اندیشه‌ای که در پی نوگرایی و احیای فکر دینی است.

برگرفته از مقاله سیاست‌های گام به گام حسین سخنور نشریه نسیم بیداری شماره ۲۴

بیانیه ۲۶ انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور در انتقاد از مواضع جناحی برخی مسئولان



انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به واسطه وحدت کلمه مردم در ذیل کلمه توحید محقق شد و پس از آن نیز با وحدت ملی و اسلامی اقشار مختلف مردم تحت رهبری بی‌همتای امام خمینی (ره) تثبیت گردید. اما در سال‌های گذشته، آفت‌هایی گریبان‌گیر این نظام مردمی شده که دستاوردهای محقق شده و آرمان‌های موعود آن را در معرض خطر قرار داده است، از آن جمله اینکه گاه جریانی با استفاده ابزاری از فرصت خدمت به انقلاب و مردم، در جهت تثبیت موقعیت سیاسی و تأمین منافع جناحی خود کوشیده و در نتیجه تفکیک قوا و توازن نیروهای سیاسی را تهدید کرده است.

حال آنکه احزاب، گروه‌ها و جریانات سیاسی با سلايق و دیدگاه‌های متفاوت درون نظام می‌توانند به جهت تضارب آراء و ایجاد رقابت سالم سیاسی، موجب پیشرفت کشور شوند، اما همواره نهادهای حاکمیتی شاخص‌های هویتی‌شان به فراجناحی بودن و عدم ورود به بازی‌های سیاسی می‌باشد چرا که ذاتاً فلسفه‌ی وجودی‌شان برای پیشبرد آرمان‌های انقلاب و اهداف کلان نظام جمهوری اسلامی ایران بوده نه تأمین منافع برخی جریان‌های سیاسی. از آن جمله می‌توان به نهادهای نظامی، امنیتی، قضایی، تربیون‌های نماز جمعه، شورای نگهبان، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها و رسانه‌های وابسته به نهادهای حاکمیتی که مستقیم یا غیرمستقیم از بیت‌المال تغذیه می‌شوند، اشاره کرد که فلسفه‌ی وجودی‌شان به نحوی است که باید از دعوای سیاسی بین جناح‌ها به طور جد پرهیز کنند و با رویکردی قانونی و بی‌طرفانه منادی وحدت و یکپارچگی در جامعه باشند. چنانچه امام خمینی (ره) در موارد متعدد درباره اهمیت بی‌طرفی این نهادها از جمله صدا و سیما تذکر داده و فرموده بودند: «رادیو - تلویزیون، باید مستقل و آزاد باشند و همه گونه انتقاد را با کمال بی‌طرفی منتشر سازند تا بار دیگر شاهد رادیو - تلویزیون زمان شاه مخلوع نگردیم.» (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۰۸)

امروز نیز، بار دیگر آفت‌های سیاست زدگی و فرصت‌طلبی برخی افراد در برخی نهادهای حاکمیتی که نسبت مستقیمی با رأی مردم نداشته و بیشتر در معرض آسیب انسداد سیاسی و جناحی شدن قرار داشته‌اند، رخ نموده است.

چنانچه شاهد بوده‌ایم که برخی از دستگاه‌ها در موارد گوناگون و در راستای منافع سیاسی از موقعیت خود استفاده ابزاری کرده و آن چنان که باید و شاید اصل بی‌طرفی سیاسی رعایت نشده است. در شرایطی که قرار است در آینده‌ی نه چندان دور شاهد انتخابات حساس مجلس شورای اسلامی باشیم، لازم است در این موارد دقت کافی از سوی مسئولان این نهادها صورت بگیرد تا شاهد آفت‌هایی که در جریان انتخابات‌های گذشته ممکن است روی داده باشد، نگردیم.

چنانچه چندی پیش دبیر محترم شورای نگهبان که دارای نقش تعیین‌کننده برای تأیید صلاحیت و نظارت بر انتخابات، یعنی آوردگاه تمام گروه‌ها و دسته‌های سیاسی می‌باشند و در زیر ذره‌بین قضاوت افکار عمومی قرار دارند، خود را تا سطح لیدری یک جریان سیاسی پایین آورده و گفته‌اند: «اصولگرایان حرکت کنند، از گذشته عبرت بگیرند، نقاط ضعف خود را بشناسند و آن‌ها را برطرف کنند. بعضی‌ها برای مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی دارند طراحی می‌کنند و نقشه می‌کشند، باید مراقب بود که به اهداف شوم خود نرسند.»

اکنون باید از ایشان پرسید آیا دبیر شورای نگهبان به عنوان نهادی که ناظر و داور بر انتخابات است نباید بی‌طرف باشد؟

چطور داورى که خود مربی یک تیم است می‌تواند عادلانه بر روند بازی نظارت کند، حال آنکه از نظر فقهی نیز یکی از شروط داورى ذی‌نفع نبودن داور در نتیجه‌ی حکم است؟ آیا دبیر محترم شورای نگهبان عواقب این اظهارنظرهای شائبه برانگیز خود را بر عهده می‌گیرند؟

بهتر نیست برخی جریانات و گروه‌های سیاسی به جای اینکه با استفاده از تربیون‌های ملی و امکانات عمومی دوپینگ سیاسی کنند و مدام بر طبل رد صلاحیت رقیبان سیاسی خود بکوبند، اندیشه‌های سیاسی خود را در فضایی آزاد به معرض انتخاب مردم بگذارند تا این مردم باشند که در چارچوب مردم‌سالاری دینی گزینه‌های مد نظر خود را انتخاب کنند که همگان نیز باید به رأی مردم احترام بگذارند؟

از سوی دیگر، شاهد بوده‌ایم که رئیس شورای سیاست‌گذاری ائمه‌ی جمعه که جلسات وحدت اصولگرایان در جهت انتخابات پیش روی مجلس شورای اسلامی با محوریت ایشان برگزار می‌گردد، گفته‌اند:

«امروز وحدت برای اصولگرایان مانند غذا و هوا حیاتی است». این سخنان در شرایطی بیان می‌شود که ائمه‌ی جمعه که نماینده‌ی مستقیم رهبری در شهرهای مختلف هستند، باید با همان مشی پدانه به دنبال یکپارچگی و وحدت همه‌ی جامعه باشند نه اینکه در لوی یک تدارکاتچی، از نفوذ و تربیون خود برای منافع حزبی بهره ببرند. فریضه عبادی-سیاسی نماز جمعه متعلق به هیچ جناح و گروه سیاسی نیست و نباید از این ابزار دینی استفاده‌ی تشکیلاتی کرد. آیا گمان نمی‌کنند اینکه رهبری در همین انتخابات ریاست جمهوری اخیر مدام تذکر داده‌اند که هیچ کاندیدایی مد نظر ایشان نیست و نفیاً و اثباتاً در مورد هیچ‌کدام نظری ندارند، تعریضی به نمایندگان و منتسبین و مرتبطین به ایشان نیز باشد؟

بر این اساس، ما انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌های سراسر کشور به عنوان چشم بیدار جنبش دانشجویی مسلمان ایران به جهت تحکیم وحدت و انسجام ملی، بار دیگر متولیان این مناصب و دستگاه‌ها را مخاطب قرار داده و تأکید می‌کنیم که مسئولان امر موظف‌اند از اقداماتی که شائبه استفاده سیاسی و جناحی از تربیون‌های ملی و بیت‌المال را دارد، پرهیز نمایند. چرا که نه تنها مصداق تضییع حقوق همه مردم است، که خلاف نص صریح قانون، شرع و دیدگاه‌های امام (ره) و رهبری انقلاب می‌باشد. هشدار می‌دهیم که ادامه اقدامات آسیب‌زای این‌چنین، این خطر را در پی خواهد داشت که بخش قابل‌توجهی از مردم که با دیدگاه‌ها و سلیقه سیاسی آن‌ها موافق نیستند، نسبت به این نهادها و اصل نظام بدبین شوند. و چه بسا که در صورت شکست در رقابت‌های انتخاباتی، شکست جناح سیاسی مورد حمایت ایشان به منزله‌ی عدم مقبولیت حاکمیت قلمداد گردد و در صورت پیروزی، شائبه‌ی استفاده یک جناح از تربیون‌های ملی، بیت‌المال و امکانات عمومی به نفع خود و در نتیجه رقابت نابرابر و ناسالم، به وجود آید. باشد که در پرتو عنایت مسئولان به سیره رهبر کبیر انقلاب اسلامی، میراث ماندگار ایشان در استقرار جمهوریت و مردم‌سالاری دینی، از آسیب و ابتلا سیاست‌بازی و فرصت‌طلبی کسانی که اعتقاد راسخ و التزام عملی به خط امام (ره) ندارند، حفظ گردد.

فاتح دانشگاه...

گفت و گو صمیمی



از اونجایی که شماره اول نشریه ما مصادف شده با منصوب شدن دکتر فاتح به ریاست دانشگاه شاهرود، از قبل از عید در تلاش بودیم که یک پرونده ویژه راجع به این موضوع کار کنیم، خب چه چیزی بهتر از یه گفت و گو رو در رو و صمیمی با استاد برجسته دانشکده برق.....

محمد حسن کاظمی



سلام سال نو رو به شما تبریک می گوئیم. امیدواریم روز های خوبی پیش رو داشته باشید.

محمد مهدی فاتح



سلام به شما دوستان خوبم و همه ی دانشجویان و اساتید محترم دانشگاه شاهرود. ممنونم از شما که با فعالیت ها تون به محیط دانشگاه و جامعه روح و روحیه می دید. این فعالیت های شما نقش برجسته در جامعه دارد و آینده جوان را می سازد، خیلی خوبه که شما به اطرافتون توجه دارید و براتون مهم که اطرافتون چی می گذرد.

یکم برامون از سوابق علمی و رزومه ی تحصیلی تون بگید.

رزومه در صفحه شخصی من در سایت دانشگاه هست، فکر کنم همون کافی باشه.

خب بله. ولی یه کم جزئی تر و به همراه خاطرات تحصیل.

من خیلی دروس ریاضی و فیزیک رو دوست داشتم، علاقه من در دوران راهنمایی و دبیرستان اثبات فرمول های ریاضی و فیزیک بود، اتفاقا در همون دوره راهنمایی مدیر مدرسه ما یه کلاس منتخب درست کرد که از لحاظ علمی سطح بالا تری داشتن فضای رقابتی باعث شد من تو اون کلاس نفر برتر بشم و این خاطره از دوران راهنمایی برای من موند.

اوغات فراغتتون چه جوری می گذشت؟

خب اون زمان تفریح به خصوصی وجود نداشت نسل ما با کتاب بزرگ شدن منم فراغتم رو با کتاب می گذروندم از همون کتاب ها هم با مسائل سیاسی و دینی آشنا شدم.

کوهنوردی آخر هفته با دوستان هم ترک نمی شد. تابستان ها هم کار می کردم از شاگردی بگیر تا کشاورزی و بنایی بنا به موقعیتی که پیش می اومد.

محمد علی احمدی



متأسفانه در هشت سال گذشته شاهد رکود فکری و سیاسی دانشگاه و به تبع اون جامعه بودیم، انجمن های اسلامی یک به یک حذف شدن و تک صدایی فضای دانشگاه رو پر کرد. باتوجه به رویکرد و دید دکتر روحانی که دانشگاه رو مرکز پرسش می دونن نظر شما درباره تشکل انجمن اسلامی و دانشجویان فعال در این تشکل ها چیست؟

محمد مهدی فاتح



تشکل ها تمرین خوبی است برای اینکه بتوانیم در آینده جامعه ای مبتنی بر بحث و گفتگو، نقادی و تضارب آرا داشته باشیم، تا حرفمان را نزنیم رشد پیدا نمی کنیم، در گفت و گو نقاط قوت پیدا می شود. کمک به رشد اندیشه ها ست.

تشکل ها تمرین هم نشینی و هم صحبتی برای رسیدن به خردورزی، اعتدال، مشورت کردن است.

البته بحث هم خواهد بود که طبیعت در کنار هم بودن است.

تک صدایی بردی ندارد،

باید افراد احساس منزلت کنند، تکریم افراد از همین منظر است. بنده از همه تشکل های قانونی حمایت می کنم. البته اسم تنها نمی تواند معرف یک رویکرد باشد، باید دید تشکلی که شروع به کار کرده تا چه حد می تواند طبق خط مشی و چارچوب خودشان حرکت کنند. واگر به آن اهداف نزدیک شوند درست است.

ما شنیدیم ۲ گروه به عنوان هیئت موسس انجمن اسلامی به دانشگاه درخواست تشکیل انجمن دادند درسته؟

من اطلاعی در این زمینه ندارم.

انجمن اسلامی دانشگاه شاهرود فعال خواهد شد؟ اجازه بدید پیش دآوری نکنیم، ان شا الله درخواست ها طبق قانون بررسی خواهد شد.

شما با دکتر ابوالفضل فاتح دبیر سابق انجمن اسلامی دانشگاه تهران و از فعالان اصلاح طلب نسبتی دارید؟ بله ایشان برادر من هستند.

خودتون هم در دوران دانشجویی فعالیت تشکیلاتی داشتید؟

نه من در این زمینه ها فعال نبودم فعالیت من بیشتر علمی بود.

معمولا ما در گذشته شاهد این بودیم که با تغییر ریاست یک نهاد تغییر در معاونان و کادر چشمگیر است، تغییر و تحول در دانشگاه ما چگونه خواهد بود؟

مطمئن باشید تغییرات بار سنگینی نخواهد داشت.

شما می توانید برنامه های عملیاتی و راهبردی بنده را مطالعه نمایید همه چیز در آن مشخص است. بنده به عنوان فردی که در آموزش عالی دارای تجربه هستم فکر می کنم مجموعه آموزش عالی خواهان تغییر اساسی در رویکرد است.

شما در آینده شاهد تلاش هیئت علمی برای پیش برد اهداف خواهید بود. به جای مدیریت فردی سراغ مدیریت جمعی خواهیم رفت. برخورد های شخصی جای خود را به قانون و اخلاق مداری خواهند داد و در نهایت به جای نظارت شخصی و سلیقه ای، منافع کشور را در نظر خواهیم گرفت. این برای ما بهتر است به جای اینکه یک نفر تصمیم بگیرد عقلای آن جمع تصمیم بگیرند.

محمد حسن کاظمی



با توجه به اینکه شما تحصیلات خودتون در دوره دکتری رو در انگلستان گذرانده اید چه تفاوت هایی میان دانشگاه های آن جا و ایران می بینید؟ از منظر تولید علم می توان گفت ما در همان سطح قرار داریم ولی آن چیزی که باعث اختلاف سطح می شود، تولید فناوری و تجاری سازی است که در ایران خیلی کم رنگ است. به نظر من محتوای دروس در سیستم آموزشی کشور خوب است اما بعد پژوهش را نیز باید به آن افزود، باید بیشتر به کارآموزی و شرکت های دانش بنیان بها داد.

بنده هم از این موضوع استقبال خواهم کرد و از هرگونه فعالیت دانشجویان در این زمینه ها حمایت می کنم.



محمد علی احمدی



لطفاً برای ما از پروسه تصدی ریاست دانشگاه بگید :

محمد مهدی فاتح



این مسئله دیگر برای اساتید و دانشجویان روشن است ، هیئتی از طرف وزارت علوم به دانشگاه آمدند و از هیئت علمی خواستند سه نفر را که اقبال عمومی به سوی آن ها بیشتر است را معرفی کنند . خب بنده مورد اقبال بیشتری بودم . کار جدیدی بود ، اشتیاق و شور در مجموعه جاری شد البته مقاومت هایی هم بود که در نهایت جامعه دانشگاهی و وزیر علوم تصمیم گرفتند.

چرا دانشگاه ما از صنعتی به جامع تغییر ماهیت پیدا کرد؟

این تصمیم در حدود ۳ سال پیش از سوی وزارت علوم به صورت یک سویه گرفته شد . با اخذ این تصمیم توسط وزارت علوم مجموعه دانشگاهی شاهرود شوکه شد چون نه در خواستی از دانشگاه صنعتی به وزارت رفته بود ، نه نظری از ما پرسیده شده بود .

با این توصیفات آیا باز هم امیدی برای بازگشت ماهیت صنعتی هست ؟

تصمیم گیری درباره این مسائل در حوزه اختیارات ما نیست . البته می توان از سوی هیئت علمی درخواستی به وزارت داد. در این مورد نظر اعضای هیئت علمی مهم است .

به همین قسمت از گفت و گو رسیده بودیم که رئیس رفر دکترا فاتح اولین تذکر وقت رو به ما دادند. ما سعی کردیم سوالاتمون رو خلاصه کنیم البته بعضی از موارد درخواست از ایشان بود ، دکترا هم لطف کردن کوتاه پاسخ دادن.

در جشن ۴۰ سالگی دانشگاه جای خالی تقدیر از دانشجویان برتر علمی خیلی حس می شد متأسفانه در دانشگاه ما این رسم وجود نداره

صد در صد تشویق در رشد خیلی تاثیر داره . ان شا الله .

شایعاتی در رابطه با تغییر تاریخ امتحانات برای جام جهانی ۲۰۱۴ به گوش می رسه درسته ؟

هنوز تصمیمی در این باره گرفته نشده . مطمئن باشید نظر اساتید در این زمینه پرسیده خواهد شد.

فکر کنم نظر اغلب دوستان بر این باشه که تاریخ امتحانات تغییر نکنه امیدوارم حرف ما هم شنیده بشه . ان شا الله .

با توجه به بسته شدن سلف اساتید و کیفیت بالای غذای سلف دانشجویی !!!!! شما رو دعوت می کنیم به غذای سلف

امیدواریم کیفیت غذا ها هم بهتر بشه .

حتما خواهیم آمد ، افتخار من که در کنار شما غذا بخورم . چشم خواهیم آمد.

دکترا وقت نشد ما همه سوالات و درخواست هامون رو مطرح کنیم اجازه بدید نشریه ما واسط بین دانشجویان و شما باشه برای طرح سوالات و بیان نظرات

در پایان هم از دکترا خواهش کردیم برای تصویر جلد از شون عکس بگیریم ، خداییش خیلی با عکاس ما همکاری کردند .

تقدیر و تشکر

تشکر از همه مسئولین و بچه های دانشکده های برق و کامپیوتر و نهاد رهبری دانشگاه برای اقامه نمازهای ظهر و عصر در دانشکده کامپیوتر . مخصوصاً آقای حسینی و محمد تاجدینی.

ایول کارتون خیلی درسته . یا علی



به مناسبت روز زن

دکتر علی شریعتی

در مجموعه آثار ۲۱ بنام "زن" در مبحث چگونه بودن زن مسلمان، نظر خود را درباره زنان موجود در جوامع امروز اسلامی چنین بیان می دارد :

دکتر شریعتی در کتاب ارزنده "فاطمه،

فاطمه است"، ضمن آنکه حضرت زهرا را اسوه حسنه و الگوی کامل برای پیروی زنان مسلمان معرفی می کند، بحث هایی جالب و دقیق نیز درباره تیپ های گوناگون زن در جوامع کنونی دنیای اسلام، از جمله ایران، دارد.

"... در جامعه و فرهنگ اسلامی، سه چهره از زن داریم :

یکی چهره زن سنتی است و مقدس مآب. یکی چهره ی زن متجدد و اروپایی مآب، که تازه شروع به رشد و تکثیر کرده است. و یکی هم چهره ی فاطمه و زنان "فاطمه وار"، که هیچ شباهت و وجه مشترکی با چهره ای به نام زن سنتی ندارد.

سیمایی که از زن سنتی در ذهن افراد وفادار به مذهب در جامعه ی ما تصویر شده است، با سیمای فاطمه همان قدر دور و بیگانه است که با چهره ی زن مدرن ...

این زن سوم، زنی است که می خواهد انتخاب کند، زنی است که نه چهره موروثی را می پذیرد و نه چهره تحمیلی صادراتی را. هر دو را آگاه است و هر دو را هم می داند. آنکه به نام سنت تحمیل می شد و در جریان آن به وراثت می رسید، مربوط به اسلام نیست. مربوط به سنت های دوره پدرسالاری است و حتی آنچه امروز از غرب می آید، نه علم است، نه بشریت است، نه آزادی است، نه انسانیت است و نه مبتنی بر حرمت زن است. مبتنی بر حیل های حقیر قدرت های انحرافی بود.

فقط برخی از زن های اروپایی هستند که ما حق شناخت شان را داریم و باید همیشه همان ها را بشناسیم، آن هایی را که فیلم ها و مجله ها و رمان های جنسی نویسندگان به ما نشان می دهند و به عنوان تیپ کلی "زن اروپایی" به ما می شناسانند.

حق نداریم آن دختر اروپایی را بشناسیم که از شانزده سالگی به صحرای نوبی، به آفریقا، به صحرای الجزایر و استرالیا می رود و تمام عمرش را در آن محیط های وحشت و خطر و بیماری و مرگ و قبایل وحشی می گذراند و شب و روز، در جوانی و کمال و پیری، درباره ی امواجی که از شاخک های مورچه فرستاده می شود و شاخک های دیگر آن امواج را می گیرند، کار می کند و چون عمر را به پایان می برد، دخترش کار و فکر او را دنبال می کند و این نسل دوم زن اروپایی، در سن پنجاه سالگی، به فرانسه باز می گردد و در دانشگاه می گوید:

"من سخن گفتن مورچه را کشف کرده ام و بعضی از علائم مکالمه ی او را یافته ام". حق نداریم مادام "گواشن" را بشناسیم که تمام عمر را صرف کرد تا ریشه ی افکار و مسائل فلسفی حکمت بوعلی و ابن رشد و ملاصدرا و حاجی ملاحادی سبزواری را در فلسفه ی یونان و آثار ارسطو و دیگران پیدا کرد و با هم مقایسه نمود و آنچه را حکمای ما از آن ها گرفته اند نشان داد، و آنچه را بد فهمیده اند و بد ترجمه کرده اند، در طی هزاران سال تمدن اسلامی، تصحیح نمود.

حق نداریم مادام "دولایدا"ی ایتالیایی را بشناسیم، که یک کارش تصحیح و تکمیل کتاب نفسانیات بوعلی سینا است از روی نسخه ی متن رساله ی نفس ارسطو در زبان یونانی قدیم ...

حق نداریم مادام "کوری" را بشناسیم که کاشف کوانتوم و رادیو اکتیویته است یا "زراس دولا شاپل" را که بیش از همه ی علمای اسلام و حتی همه ی شیعیان و کباده کشان فعلی ولایت علی و مدعیان معارف علوی، او، یک دختر زیبای آزاد و مرفه سوئدی نژاد، با دوری از جو فرهنگی اسلام و زمینه ی تربیتی و اعتقادی شیعی، از آغاز جوانی، زندگی اش را وقف شناخت آن روحی کرد که در اندام اسلام مجهول ماند و پی بردن به مردی که در زیر کینه های دشمن و حیل های منافق و مدح و ثنای شاعرانه و بی معنای دوست، پنهان شده است،



درست ترین خطوط سیمای علی، لطیف ترین موج های روح و ابعاد احساس و بلندترین پرش های اندیشه ی او را یافت و رنجهای و تنهایی ها و شکست ها و هراس ها و نیازهای او را برای نخستین بار احساس کرد و نه تنها علی ی احد و بدر و حنین، که علی ی محراب و شب و چاه های پیرامون مدینه را نیز پیدا و نهج البلاغه ی او را که مسلمانان عرب تنها منتخب ادبی آن را، به تصحیح محمد عبده، مفتی اعظم اهل تسنن دارند و اهل تشیع علی، تنها "سخنان جواد فاضل" منسوب به علی را، و یا ترجمه ی فیض را که به علی منسوب است، اما باید به کمک متن عربی خواند. و این دخت کافر جهنمی بود که هم، آنچه علی به قلم آورده است، پراکنده در این کتاب و آن دفتر و یا بیشتر نسخه های خطی پنهان اینجا و آنجا، همه را گرد آورد و خواند

و ترجمه و تفسیر کرد و زیباترین و عمیق ترین نوشته هایی را که درباره ی کسی از یک قلم جاری شده است، درباره ی علی نوشت، و اکنون چهل و دو سال است که لحظه ای، سر از اندیشه و تأمل و کار و تحقیق و شناخت او بر نگرفته است.

ما حق نداریم دوشیزه "مشین" را بشناسیم که در اشغال پاریس به وسیله ی نازی ها، از سنگر "نهضت مقاومت فرانسه" ضربه هایی چنان کاری بر ارتش هیتلری زد که دوبار، غایبانه، به مرگ محکوم شد، و با اینکه خود یهودی است، انسان بودن و آزادی را در اوجی می فهمد که اکنون، در صف فدائیان فلسطینی، علیه صهیونیسم می جنگد! ...

ما حق نداریم که "آنجلا" دختر آمریکایی یا دختر ایرلندی که دو ملت اسیر، چه می گویم؟، همه ی مردم آزاده ی جهان و تمام بشریت مجروح و محکوم تبعیض و ستم و استثمار چشم به آنان دوخته اند را بشناسیم، و بدانیم که زن فرنگی نه ... یک عروسک بازیچه ی دون ژوان ها و برده ی پول و تجمل و جواهر، و کنیز مدرنی که تا وقتی بکار است و برای مرد مطرح است که قابل توجه و تمتع هوس بازان و شهوات رانان باشد و بعد از آن دوران، ماشینی است که اسقاط شده است، بلکه تا آنجا پیش رفته که تجسم ایده آل یک ملت و مظهر نجات و غرور و افتخار یک نژاد شده است.

ما فقط حق داریم مادام "نوئیگی" را بشناسیم، به نام آخرین مظهر ایده آل زن تمدن غرب، ملکه ی زیبایی جهان در سال ۱۹۷۱ و در کنارش برجسته ترین زنان نماینده زن اروپا، ژاکلین اوناسیس را، که با پول همه چیز را معامله می کند، و بریزیت باردو را، و ملکه ی موناکو را و زنان هفت تیرکش پیرامون جیمزباند را. یعنی همین ها را که گوشت های قربانی ی دستگاه های تولید اروپایی اند، همین اسباب بازی ها و عروسک کوکی های سرمایه داری و کنیزان تمدن جدید برای سربندی خواجه های تمدن جدید را. این ها را ما ایرانی ها حق داریم به عنوان زن متمدن اروپایی بشناسیم.

یک بار ندیدیم که از دانشگاه کمبریج یا سوربن یا هاروارد عکسی بردارند و بگویند که دختران دانشجو چگونه می آیند و چگونه می روند، چگونه در کتابخانه ها بر روی نسخه های قرن ۱۴ و ۱۵ اروپا و الواحی که از ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ سال پیش در چین پیدا شده، یا روی نسخه های از قرآن، یا نسخه های از کتب خطی لاتین و یونانی و میخی و سانسکریت، از صبح تا شب، خم می شوند، بی آنکه تکانی بخورند و چشم به این سو و آن سو بدوانند، و تا کتاب دار کتاب را نمی گیرد و عذرشان را نمی خواهد، سرشان از روی کتاب برداشته نمی شود ...

آری! زنان ما نباید این زنان را بشناسند، زیرا حق ندارند خانم "میش" ها و "دولایدا" ها را "زن روز" یا "زن متمدن اروپایی" تلقی کنند و تقلید. آنها فقط دو انتخاب بیشتر ندارند : یا قربانی استعمار کهنه ماندن، یا قربانی استعمار نو شدن.

مذهب؟ زن سفره!

تمدن؟ زن بار!

تمام ...



در این صفحه بر آن شدیم تا همانند علی‌ها و اباذر غفاری‌ها صدا شویم و فریاد بزنیم از صداهایی که خفه شد و خون‌هایی که به ناحق ریخته شد، و به قول معلم‌ان دکتر شریعتی با فریادمان خواب خفتگان خفته را آشفته‌تر سازیم ...

و اذا حکمتکم بین الناس ان تحکموا بالعدل (و چون میان مردم حکم کردید، به عدالت حکم کنید). نساء / ۵۸



وی در ادامه، در توضیح چگونگی از دست دادن چشم راست خود، گفت: «پس از سخنرانی مقام رهبری به نظر می‌رسید اوضاع آرام شده باشد، به همین دلیل، من و دوستانم با آرامش در محوطه ی کوی مشغول صحبت بودیم که ناگهان نیروهای انتظامی شروع به شلیک گلوله‌های گاز اشک آور کردند که در این میان یکی از این گلوله‌ها همانند یک گلوله ی جنگی بطور مستقیم به طرف من شلیک شد و به چشم من اصابت کرد.»

وی، افزود: «دانشجویان تلاش کردند مرا با آمبولانس به بیمارستان فارابی برسانند اما جلوی دربهای کوی، نیروهای مسلح اجازه ی خروج آمبولانس را نمی دادند در حالیکه حتی در جنگ نیز نیروهای امدادی در مانند، اما برادران نیروی انتظامی اجازه ی خروج آمبولانس را نمی دادند و دانشجویان مجبور شدند به سختی مرا از روی نرده های کوی با برانکارد به خارج منتقل کنند.»

در ادامه ی جلسه ی دادگاه، شاکیان دیگر این پرونده به طرح شکایت و شرح ماجرای حادثه ی کوی دانشگاه پرداختند و همگی ضمن تاکید بر ملی بودن این پرونده، سخنان دادستان مبنی بر توهین به اصول نظام و شخص رهبری توسط دانشجویان را تکذیب کردند. این پرونده بیش از ۴۰۰ شاکی داشت که تنها ۱۸ تن از شاکیان به دلیل در دست داشتن گواهی پزشکی قانونی اجازه ی حضور در دادگاه را داشتند.

حکم تبرئه!

رسیدگی به اتهامات این متهمان که از بهمن‌ماه سال ۷۸ آغاز شد در خردادماه ۷۹ پس از ۱۵ جلسه رسیدگی خاتمه یافت و حکم آن سه روز پس از سالگرد واقعه ی کوی دانشگاه صادر شد. سرانجام شعبه هفتم دادگاه نظامی یک تهران، حکم برائت فرهاد نظری سرپرست سابق نیروی انتظامی تهران بزرگ را اعلام و تنها دو سرباز وظیفه را محکوم کرد.

حکم دادگاه رسیدگی به تخلفات نیروی انتظامی در کوی دانشگاه از این قرار اعلام شد: «در پی ۱۵ جلسه رسیدگی به اتهامات این عده از پرسنل نیروی انتظامی، فرهاد نظری از هر سه اتهام انتسابی تبرئه شد. بقیه ی متهمان نیز جز دو نفر، از اتهام ایراد ضرب و شتم و تخریب تبرئه شدند. فرهاد ارجمندی به اتهام لغو دستور به دو سال حبس و اروجعلی ببرزاده به اتهام سرعت ماشین ریش تراش با احتساب دوران بازداشت به ۹۱ روز حبس به انضمام یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم شد. بر اساس حکم دادگاه نظامی مقرر شده است که از بیت المال به ۳۴ نفر از دانشجویان مضروب این حادثه، دیه پرداخت شود. بر اساس همین حکم، دادخواست ضرر و زیان شکات و وکلای آن به علت خارج موعود بودن رد شد.»

حکم دادگاه کوی دانشگاه در حالی صادر شد که حجت‌الاسلام محسن رهامی وکیل مدافع دانشجویان در زندان به سر می‌برد. قاضی طباطبایی رئیس دادگاه رسیدگی به تخلفات کارکنان نیروی انتظامی در کوی دانشگاه مدعی بود در صدور این حکم «جز خداوند و اندیشیدن به حق و عدالت» را در نظر نگرفته، درحالی‌که شورای عالی امنیت ملی در گزارش خود عملکرد نیروی انتظامی تهران بزرگ و فرمانده آن سردار فرهاد نظری را محکوم کرده بود.

محمد علی احمدی

seyedsorena@gmail.com



غم جانکاه کوی دانشگاه تهران

یادی از جرمه ۱۰۰ هزار تومانی سرباز نیروی انتظامی
سرنوشت دادگاه تخلفات نیروی انتظامی در کوی دانشگاه

چهارشنبه، ۲۲ تیر ۱۳۷۹ و دقیقاً در سالگرد حوادث کوی دانشگاه تهران؛ حکمی صادر شد که به جای آنکه مرهمی بر زخم دانشجویان باشد، داغشان را تازه کرد. آن روز صبح وقتی روزنامه‌ها روی دکه‌ها رفت؛ هر کدام یک تیتیر حاکی از کنایه داشت. دو تیتیر ماندگار شد: روزنامه «بهار» که کنار عکس فرهاد نظری با فونت درشت نوشت «تبرئه» و روزنامه «حیات نو» که نوشته بود «ناباوری». البته کلیدواژه همه روزنامه‌ها تبرئه بود؛ چنانچه حیات نو هم در مقدمه خبرش این کلمه را آورده بود. بهار همچنین کاریکاتوری از نیک آهنگ کوثر منتشر کرد که در آن مادری به دانشجوی مصدوم می‌گفت چرا خودش را در معرض باتوم و... قرار داده است!

حال و روز دانشجویها هم ناباوری بود. درست سه روز قبل آن‌ها اولین سالگرد فاجعه هتک حرمت کوی دانشگاه را با عنوان طرح «لبخند اصلاحات» و به امید دلجویی مسئولان از دانشجویان برگزار کرده بودند. اما وقتی حکم صادر شد نه فرهاد نظری (سرپرست وقت نیروی انتظامی تهران بزرگ) محکوم شد، نه هدایت‌الله لطفیان (فرمانده وقت نیروی انتظامی). نیروهای لباس شخصی هم که هیچ‌گاه شناخته نشدند و پایشان به دادگاه نرسید!

دادگاه تخلفات نیروی انتظامی

دادگاه تخلفات نیروی انتظامی در حادثه کوی دانشگاه با شکایت دانشجویان دانشگاه تهران و احضار فرهاد نظری و ۱۹ نفر از پرسنل نیروی انتظامی آغاز شد. نظری با سه عنوان اتهام، شامل ورود غیرمجاز به کوی دانشگاه، لغو دستور مقام مافوق و نیز ایجاد جو بدبینی علیه نیروی انتظامی، در دادگاه نظامی محاکمه شد. با گذشت ۹ ماه از آن حوادث؛ دادگاه رسیدگی به تخلفات نیروی انتظامی در کوی دانشگاه، ده اسفند ۷۸ برگزار شد. در این جلسه آقایان حسین‌علی ابویی، محمد انصاری سرهنگ هادی خرمشاهی، سرهنگ احمد محقق و سروان سیروس آناهید به عنوان وکلای متهمین و آقای سینا کریمیان، حسین میرافضل و حجت‌الاسلام دکتر محسن رهامی به عنوان وکلای شاکیان حضور داشتند. دانشجویان شاکی پرونده کوی دانشگاه با حضور در دادگاه مأموران نیروی انتظامی حمله به کوی دانشگاه، ضمن شرح وقایع مربوط به این حادثه بر لزوم اجرای عدالت تاکید کردند. محسن جمالی رتبه اول کنکور پزشکی سال ۷۲، یکی از دانشجویان شاکی پرونده ی کوی دانشگاه که چشم راست خود را در جریان این حادثه از دست داده است، خطاب به رئیس دادگاه، سید هادی طباطبایی، گفت: «قرار گرفتن در جایگاه شاکی به خودی، خود دشوار است حال اگر طرف شکایت نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران باشد که باید شکایت بی‌عدالتی را به او آورد، این سختی ۱۰ برابر می‌شود. من این سختی را به جان می‌خرم تا عدالت اجرا شود.»

الملك یقی مع الكفر و
لایقی مع الظلم

در این صفحه بر آن شدیم تا همانند علی‌ها و اباذر‌ها صدا شویم و فریاد بزنی‌م از صداهایی که خفه شد و خون‌هایی که به ناحق ریخته شد، و به قول معلم‌ان دکتر شریعتی با فریادمان خواب خفتگان خفته را آشفته‌تر سازیم...

و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل (و چون میان مردم حکم کردید، به عدالت حکم کنید). نساء / ۵۸

مولاسخن مے گوید..

به خدا سوگند، اگر شب را تا بامداد بر بستی از خار سخت بیدار بمانم یا بسته به زنجیرم بر روی زمین بکشانند، مرا دوست داشتی‌تر از آن است که در روز شمار به دیدار خدا و پیامبرش روم، در حالی که، به یکی از بندگانش ستمی کرده یا پیشی از مال مردم را به غصب گرفته باشم. چگونه بر کسی ستم روا دارم به خاطر نفسی که پیوسته روی در فنا دارد و سالها و سالها زیر خاک آرمیدن خواهد؟

به خدا سوگند عقیل را در نهایت بینوایی دیدم، از من خواست تا یک صاع از گندم شما مردم را به او ببخشم، در حالی که، فرزندان را از شدت فقر آشفته موی و گردآلود با چهره‌ای نیلین می‌دیدم. چند بار نزد من آمد و خواهش خود مکرر کرد و من، همچنان، به او گوش می‌دادم و او پنداشت که دینم را به او می‌فروشم و شیوه خویش وامی‌گذارم و از پی هوای او می‌روم. پس پاره آهنی را در آتش گداختم و تا مگر عبرت گیرد، به تنش نزدیک کردم. عقیل همانند بیماری ناله سر داد و بیم آن بود که از حرارتش بسوزد.

گفتم: ای عقیل نوحه‌گران در عزایت بگریند، آیا از حرارت آهنی که انسانی به بازپچه گداخته است می‌نالی و مرا از آتشی که خداوند جبار به خشم خود افروخته بیمی نباشد؟ تو از این درد می‌نالی و من از حرارت آتش ننالم و. شگفت‌تر از این، آن مردی است که شب هنگام با ظرفی سر بسته نزد من آمد و در آن معجونی بود که همواره از آن بیزار بوده‌ام. گویی به زهر مارش عجین کرده بودند. گفتم: این هدیه است یا زکات یا صدقه؟ اگر زکات یا صدقه است بر ما خاندان پیامبر حرام است. گفت: نه این است و نه آن، هدیه‌ای است.

گفتم: مادرت در عزایت بگرید، آیا از راه دین خدا به فریب من آمده‌ای؟ آیا در خردت نقصانی پدید آمده یا دیوانه شده‌ای یا سفیه گشته‌ای یا هذیان می‌گویی.

به خدا سوگند، اگر همه هفت اقلیم عالم را و هر چه در زیر آسمان است به من دهند تا نافرمانی خدا کنم، آنقدر که پوست جوی را از مورچه‌ای بربایم، نپذیرم. و این دنیای شما برای من از برگگی، که ملخی می‌خاید، حقیرتر است. علی را با نعمتی که روی در زوال دارد و لذتی که پایدار نمی‌ماند چه کار؟ از اینکه خردم به خواب بیخبری رود یا به زشتی لغزشی مبتلا گردم، به خدا پناه می‌برم و از او یاری می‌جویم.

خطبه ۱۵ نهج البلاغه

کمی بعد اما تیمسار لطفیان که برکناری و محاکمه او جزو اولین خواسته دانشجویان کوی(بر اساس بیانیه مورخ شنبه ۱۹ تیر ۷۸ دفتر تحکیم وحدت) بود، جای خود را به محمدباقر قالیباف داد و به ستاد کل نیروهای مسلح رفت. فرهاد نظری هم که بعدها در انتخابات مجلس از حوزه خرم‌آباد ناکام ماند، سال ۸۱ کتابی با عنوان «... برای تاریخ» منتشر کرد که ناشر نداشت! و شامل سخنرانی تودیع ۴۶ روز بعد از واقعه کوی (۱۷ تیر ۷۸)، ارسال اولین نامه به رئیس‌جمهور، ارسال دومین نامه به رئیس‌جمهور (رنج‌نامه)، ۱۷ جلسه در دانشگاه محکمه، فرازهایی از حکم دادگاه، این مطالب با فهرست منابع و تصاویر و اسناد مربوط به واقعه کوی دانشگاه می‌شد.

نظری در این کتاب ضمن توجیه اقدامات خود و نیروی انتظامی تهران؛ به شاکیان سابقش - از تاج‌زاده و معین گرفته تا محسن رهامی و دفتر تحکیم وحدت - حمله کرده بود.

در زمان صدور حکم، رئیس‌جمهور خاتمی در سفر آلمان به سر می‌برد و واکنش خاصی نشان نداد، اما ۱۵۹ نماینده مجلس ششم این اقدام دستگاه قضایی را محکوم کردند. از جمله محمد محمدرضایی، نماینده بیجار که گفت: «با توجه به براءت آقای نظری که صراحتاً در دادگاه به ورود نیروهایش به دانشگاه اعتراف کرده بود، باید به حال قانون کشور و عدالت گریه کرد. من بخاطر تحریر چهار سطر طنز، بازداشت شدم و پس از چند دقیقه سوال و جواب، در حکمی که شبانه صادر شد، به چهار سال حبس و تبعید محکوم شدم. حال مقایسه ی این دو حکم، عمق تبعیض و اجحاف را نمایان می‌کند.»

عدالت قوه قضائیه ده سال بعد برای همگان تفهیم شد که آیت‌الله جنتی امام جمعه موقت وقت تهران و دبیر شورای نگهبان در خطبه‌های نماز جمعه ۹ بهمن ۱۳۸۸ خطاب به رئیس وقت قوه قضائیه (آیت‌الله هاشمی شاهرودی) گفت: «در ۱۸ تیر ضعف نشان دادید؛ چند نفر در آن زمان اعدام شدند؟ اگر حالا هم ضعف نشان دهید آینده بدتری در انتظار شماست.» ظاهراً مسئولان با گذشت ده سال از ۱۸ تیر ۷۸ و علیرغم تکرار حوادث وحشیانه کوی در ۲۵ خرداد ۸۸ توسط نیروهای انتظامی و لباس شخصی‌ها، قصد عبرت آموختن نداشتند و چه بسا که کوی دانشگاه ده سال بعد تکرار شود. با این شباهت که باز هم دانشجویان محکوم شوند!

عدالت قوه قضائیه چهارده سال بعد برای دانشجویان بیشتر معلوم شد؛ زمانی که جریمه ۲۰۰ هزار تومانی برای سعید مرتضوی متهم ردیف اول پرونده کهریزک صادر شد و همه حبس ۹۱ روزه و ۱۰۰ هزار تومان جریمه ارورجعلی ببرزاده را به خاطر آوردند. حالا محسن جمالی دانشجوی دکترا در کاناداست و ارورجعلی هم احتمالاً در روستایشان کشاورزی می‌کند. سعید مرتضوی هم مثل سردار نظری احتمالاً کتاب رنج‌نامه خواهد نوشت و دانشجویان طبق معمول مقصر معرفی می‌شوند...

.....

به ما
ملحق
شوید

.....

با ارسال کلمه همکاری به شماره
پیامک نشریه مرغ سحر عضو
افتخاری نشریه شوید.

آن‌ها از فکر تو می‌ترسند

.....

کافه کتاب



هنرمندان به قاپید

نام کتاب: هنرمندان به قاپید
نویسنده: آستین کلون
مترجم: سامان شاهین پور
تعداد صفحات: ۱۲۸

۱۰ چیزی که هیچ کس درباره‌ی خلاق بودن به شما نخواهد گفت

خلاقیت چگونه به وجود می‌آید؟

هر هنرمندی می‌پرسد: «ایده‌ات را از کجا آوردی؟»

هنرمند صادق پاسخ می‌دهد: «آن را دزدیدم»
هر ایده‌ی جدیدی، تنها ترکیب یا تلفیقی از یک یا چند ایده‌ی قبلی است.

مثال خوب، ژنتیک است. شما، پدر و مادر دارید. قابلیت‌هایی را از آن دو به ارث برده‌اید، اما مجموع قابلیت‌هایتان بیشتر از آن چیزی است که از آنان گرفتید. شما تلفیقی از پدر، مادر و تمام اجدادتان هستید. درست مانند زمانی که یک درخت ژنتیکی فامیلی دارید، یک درخت ژنتیکی ایده هم دارید. شما می‌توانید دوستانتان را انتخاب کنید. می‌توانید موسیقی برای گوش دادن، کتابی برای خواندن، فیلمی برای دیدن مکانی برای رفتن و... را انتخاب کنید. در واقع، شما تلفیقی از آن چیزی هستید که بر می‌گزینید تا در زندگی‌تان وارد شود.

شغل شما این است که نسبت به دنیایی که در آن زندگی می‌کنید، کنجکاو باشید. به دنبال چیزهای مختلف بروید. جستجو کنید. عمیق شوید. تمام منابع را دنبال کنید. مانند یک هنرمند تنها آنچه را که دوست دارید پیش خود جمع کنید و نگاه دارید. آنچه را دوست دارید، کپی کنید. کپی کنید، کپی کنید، کپی کنید. تفکر پشت آن را کپی کنید و آن قدر کپی کنید، تا در پایان هر کپی خودتان را بیابید. آن قدر جعل کنید تا بالاخره آن را خلق کنید. آن چیزی که روح شما را در خود دارد؛ یک ایده‌ی نو، یک طرح تازه.



این خیلی مهم است. گاهی ما یک فرد متدین و خوبی را می‌گذاریم رأس کاری ولی چون توانایی‌اش ضعیف است، اثر بدی می‌گذارد. شما باید مدیرهای مؤمن و متعهد ۱۰ سال آینده را هم کشف کنید و هم بسازید. ۷ - **معلوماتتان را ببرید بالا.** مطالعاتتان باید اسلامی باشد، فنی هم باید باشد. هر کدام از شما وظیفه‌ی شرعی‌تان است که در هفته یک مقدار روی رشته خاص خودتان مطالعه‌ی فنی کنید، طوری که کاردانی و کارایی فنی شما رو به افزایش پیگیر و مستمر باشد.

۸ - **شیوه‌های صحیح برخورد با دشمن و مخالف را یاد بگیرید؛** گاهی برادرها و خواهرها با جریان‌های مخالف می‌خواهند برخورد کوبنده داشته باشند اما طرز برخورد آن‌ها طوری است که در جامعه محکوم می‌شوند. شیوه‌های برخورد باید صحیح باشد. باید درباره این شیوه‌های برخورد بنشینید و تبادل‌نظر کنید.

۹ - **انتقاد از خویشتن؛** من نمی‌دانم آیا هیچ‌وقت دور هم جمع می‌شوید بگویید این یک هفته نقایص و عیب کارم این بود. این کار را می‌کنید یا خیر؟ (پاسخ حاضران: خیر!) خوب، شروع کنید! هیچ اشکالی ندارد. «المؤمن مرأت المؤمن» یعنی چه؟ برادر و خواهر مسلمان باید آینه‌ی یکدیگر باشند. آینه یکی از کارهایش این است که عیب‌های آدم را می‌گوید. بنابراین هر هفته‌ای، دو هفته‌ای، یک ساعت دور هم بنشینیم با روی باز و گشاده‌رویی هر کسی اول عیب‌های خودش را بگوید بعد آن‌هایی که جا می‌ماند دیگران بگویند، بعد هم عیب جمعمان را بگوئیم.

۱۰ - **امید کامل به آینده؛** هیچ مسلمانی حق یأس و ناامیدی ندارد. مسلمان سراپا امید است. آدم‌هایی که ایمان به خدا ندارند آن‌هایی هستند که از گشایش آفرینی خدا در تنگناها مأیوس می‌شوند. انسان‌های مؤمن همیشه باید امیدوار باشند. آن قدر قرآن و اسلام به ما تعلیم می‌دهد که نه با یک غوره سردی‌تان بشود و نه با یک مویز گرمی‌تان. یک روز بالا و یک روز پایین، یک روز جلو و یک روز عقب. تا شما یک‌دفعه ضایعه اگر برایتان پیش آمد زود دچار تأسف نشوید و اگر هم خدا یک نعمت به شما داد و یک پیروزی، زود از شادی خودتان را نیازید. در هر دو حالت باید صبور باشید. امیدوارم که با چنین امید و با چنان ایمانی و چنین عمل صالحی، موفق باشید که پایه‌های اداره قاطع نظام اسلامی را بر فراز اسلام محکم‌تر کنید.

سفارشات ده‌گانه شهید بهشتی

به انجمن‌های اسلامی

۱ - **ایمان** هرچه قوی‌تر به آرمانتان و به کارتان؛ نگذارید این ایمان در شماها خدای ناکرده پژمرده و ضعیف شود. این ایمان باید روزبه‌روز تقویت گردد.

۲ - **برنامه‌های عملی‌ای** که در آن، تفوق و برتری کارکرد ساختار اسلامی و نیروهای مؤمن به چشم بخورد؛ باید به گونه‌ای باشد که این خواهر مسلمان و برادر مسلمان ما که از یک هم‌سن و هم‌کلاسی و هم رتبه‌ی غیرمسلمانان در مقام عمل دینی صالح‌تر است، در مقام عمل اجتماعی نیز سودمندتر باشد. اگر عمل شما به حال مردم سودمند واقع شود، ماندنی خواهید بود. این بیان قرآن است. «فاما الزید فیذهب جفاء و اما ما ینفع الناس فیمکث فی الارض» **کف می‌رود و آن‌چه برای انسان‌ها سودمند است می‌ماند.** رعد/ آیه ۱۷ سودمندی بیشتر ما باعث پیروزی ماست. به همین جهت در خودسازی فردی و جمعی انجمن‌هایتان باید طوری برنامه‌ریزی کنید که در صحنه خدمت به مردم بدرخشید؛ نه برای تعریف مردم بلکه برای خدا.

۳ - **ارتباطات را قوی کنید؛** وقتی یک عده در اقلیت هستند، باید بکوشند تا به کمک ارتباطات گسترده، یک جمع بزرگ‌تر شوند. وقتی که همه یکجا جمع هستید، احساس دلگرمی و قدرت بیشتر می‌کنید.

۴ - **جذب عناصر جدید؛** گاهی دافعه خیلی قوی است اما جاذبه چندان قوی نیست. مسلمان، هم دافعه دارد و هم جاذبه. شما باید جاذبه‌تان زیاد باشد. باید کلامتان و رفتارتان چنان باشد که اطرافیان‌تان را یکی‌یکی جذب کنید. اصلاً باید برنامه داشته باشید برای جذب آن‌ها. مبدا فکر کنید که این‌هایی که با ما مخالف هستند دیگر کارشان خراب است و درست شدن نیستند. خیر، انسان تغییر می‌کند. خیلی‌ها آدم‌های خوبی هستند، می‌لغزند و بد می‌شوند. خیلی‌ها آدم‌های بدی هستند و در اثر ارشاد و معاشرت خوب می‌شوند. تعالیم اسلام یادتان نرود. اسلام می‌گوید تا آخرین لحظات حیات، در توبه باز است.

۵ - **انضباط؛** هر کار دسته‌جمعی‌ای که انجام می‌دهید باید همراه باشد با **انضباط تشکیلاتی.** بچه مسلمان‌ها به انضباط مقدار کمی بها می‌دهند. باید یک مقدار به انضباط بیشتر بها بدهیم. اما نظم فرعون‌ی نه؛ زیرا نظم گاهی فرعون‌ی و طاغوتی است. نظم ما باید الهی، سازنده و نورانی باشد.

۶ - **شناسایی و کشف استعدادها؛** کشف عناصر مدیر و به درد بخور که بتوانند پست‌های کلیدی و مؤثر را با لیاقت اداره کنند.

کافه فیلم



saving private
ryan

نجات سرباز رایان

(Saving Private Ryan) نام فیلم جنگی محصول سال ۱۹۹۸ می باشد که به کارگردانی استیون اسپیلبرگ ساخته شده است. داستان این فیلم در طول نبرد نورماندی در جنگ جهانی دوم اتفاق می افتد. تام هنکس در نقش کاپیتان جان میلر به همراه هفت سرباز دیگر مأموریت می گیرند تا سرباز جیمز فرانسیس رایان را پیدا کنند و به خانه برگردانند. او سه برادر داشته که همگی در جنگ کشته شده اند و به دستور فرمانده کل ارتش، رایان می تواند به پیش مادرش بازگردد. جنگ در زندگی بشر یک حقیقت انکار نشدنی ست. نجات سرباز رایان فیلمی سراسر درس و الهام است و در طول تاریخ پرفراز و نشیب سینما، یک فیلم استثنایی محسوب می شود. «نجات سرباز رایان» فراتر از یک اکشن معمولی تماشاچی پسند قرار می گیرد، در جایی از فیلم، از زبان شخصیت نخست آن می شنویم: «با کشتن هر آدم، یک گام از خانه ام دور می شوم.» از همان ابتدای حرکت این گروه، سوالات و پرسش ها درباره ی این عملیات شروع می شود. در تمام این فیلم، گروه جستجوی فقط یک سؤال از خود و فرمانده میلر می پرسیدند. آیا تمام این مصیبت ها و رنج ها تنها به خاطر یک نفر است؟ در پایان فیلم وقتی گروه جستجو سرباز رایان رو پیدا می کنند فرمانده میلر به سرباز رایان می گوید: امیدوارم ارزش این رو داشته باشی، برگرد به شهر خودت و آدم مفیدی برای مملکت بشو. در سکانس آخر فیلم سرباز رایان رو پس از سال ها گذشت از جنگ و به همراه خانواده اش در قبرستان می بینیم بر سر قبر فرمانده میلر. او از همسر مسن خود می پرسد: آیا من آدم مفیدی برای وطنم بودم؟ و این دقیقاً سؤالی است که ما نسل های بعد از جنگ باید از خودمون بپرسیم و خودمون رو سرباز رایانی بدوینیم که هزاران نفر برای ما کشته شدن. امیدوارم ارزش رو داشته باشیم!!!!

طنز: شورای عالی فرزندآوری

محمد عبدالوهاب



شما یادتان می آید یا نمی آید نمی دانم، اما شعار اقتصادی دهه ۶۰؛ «خودکفایی»، دهه ۷۰؛ «خوداتکایی» و دهه ۸۰؛ «خودباوری» بود. حال به نظر شما، برای دهه ۹۰ چه شعاری بهتر از «خودارضایی» اقتصادی؟

البته خود ارضایی اقتصادی شاخه های مختلفی دارد

و مربوط به دولت فعلی هم نیست. مثلاً ما در زمینه خصوصی سازی کارهایی انجام داده ایم که مصداق بارز خود ارضایی است. مثلاً واگذاری شرکت های دولتی به یک شرکت دولتی یا حاکمیتی دیگر، در قالب خصوصی سازی که برخی آن را «خصوصی سازی» هم می نامند. فلذا اگر چه صنعت خودروسازی ما حداکثر در زمینه پیچ و مهره کردن خودروهای دست چندم فرانسوی مانده است و باید التماسشان کنیم که بعد از رفع تحریم ها دوباره بیایند و لوازم یدکی! خودروهای چند دهه قبل خود را به ما بفروشند تا سرهم کنیم و به ملت بفروشیم، اما ما دستاوردهای بزرگی هم در شرکت های خودروسازی مان داشته ایم. مثلاً واگذاری شرکت سایپا به خود شرکت سایپا. این دستاوردی است که در هیچ کجای دنیا لنگه ندارد. حتی در ینگه دنیا، آمریکا. این نشان می دهد ما به قدری در دور زدن تحریم ها استاد شده ایم که گاهی خودمان را هم دور می زنیم. دور زدن قانون هم که خوراکمان است. اصلاً از قدیم گفته اند آدم باید یک سوزن به خود بزند یک جوال دوز به دیگران. نیز گفته اند برای هر حرکت اصلاحی باید از خود شروع کرد. فلذا ما از دور زدن خودمان شروع کرده ایم و به زودی کل جهان را دور خواهیم زد.

ضمناً خود ارضایی مختص اقتصاد هم نیست. مثلاً همین رسانه ملی عزیز، وقتی برنامه های میزگرد و مناظره برگزار می کند و یک برادر با جهت فکری مشخص را در مقابل یک برادر با همان فکر می گذارد تا به خیال خودشان مناظره کنند، اما به معانقه و معاشقه متقابل و حمله دسته جمعی (به همراه مجری کاملاً بی طرف که آتش او از همه داغ تر است) می انجامد، اسمش «خود ارضایی رسانه ای» است. بندگان خدا محض رضای خلق خدا، نمی کنند یک برادر را با یک خواهر روبرو کنند تا حداقل یک تفاوت فیزیکی بینشان باشد اگر تفاوت فکری نیست!

البته بهتر است موضوع بحث درباره زنان نباشد چون در این صورت، خود خانم های جوگیرتر از آقایان علیه حقوق زنان خواهند گفت و ته حرفشان این می شود که وظیفه زنان، ازدواج هرچه زودتر و فرزندآوری هرچه بیشتر است. چون تنها مشکل کشور ما کاهش جمعیت است و گر نه اقتصادمان رو به رشد است مثل بنز ۱۸ چرخ! یک وقت دیدی به این نتیجه رسیدند که باید یک «شورای عالی فرزندآوری» تشکیل شود و همان طور که «شورای عالی فضای مجازی» برای ساماندهی به فیلترینگ بی سر و سامان تشکیل شد اما به فیلترینگ مضاعف انجامید، این ها هم ملت را گونی گونی دستگیر و به زور به ازدواج و تولید نسل مجبور کنند. فی المثل بعد از انتشار سلسله مطالبی در سایت نشر آثار رهبری، راجع به «معضل خانه های مجردی»، عده ای از عماریون افراطیون، در حرکتی خودجوش و با جذب بودجه های مختلف از نهادهای مختلف، «شورای عالی مقابله با خانه های مجردی» را تشکیل داده و ملت را در راستای ازدواج و فرزندآوری هدفمند کنند. همان طور که شورای عالی فضای مجازی، با راه اندازی سایت ساماندهی، اطلاعات کلیه کاربران را برای اهداف خاص جمع آوری کرد، آمار کلیه خانه های مجردی شناسایی شده و در یک حرکت برق آسا همه آن ها توقیف و به نفع یکی از نهادهای حاکمیتی فعال در زمینه «خود ارضایی اقتصادی» مصادره شود. صاحبان منازل هم بازداشت و تا پذیرش تعهد لازم برای ازدواج در سلول انفرادی نگهداری شوند. پس از حصول اطمینان از تعهد ایشان، دوگان دوگان به عقد ازدواج درآمده و دو دانگ از خانه مجردی توقیف شده آقا داماد به عنوان مهریه به عروس خانم که رفته وثیقه بیاورد، عودت داده شود. پس از عقد ازدواج دائم، به مدت دو ماه در سلول دونفره متأهلی نگهداری شده و بعد از تأیید نتیجه تست بارداری از سوی مراجع ذیصلاح در پزشکی قانونی، به صورت موقت از زندان آزاد و تا زمان تولد فرزند، در حصر خانگی نگهداری شوند تا مشکل کاهش ازدواج و کاهش جمعیت مملکت فی الفور حل شود. فلذا همان طور که می بینید این همه راهکار پیش روی ما وجود دارد.

آی تی باز

پیشنهاد

«تابه حال برایتان اتفاق افتاده که برنامه هفتگی خود را فراموش کنید؟ و یا اینکه مجبور بودید برنامه را بر روی کاغذ بنویسید؟»

دیگر نگران از یاد بردن برنامه درسی نباشید! با استفاده از این اپلیکیشن می‌توانید برنامه هفتگی خود را در گوشی خود ذخیره کنید و به راحتی به آن دسترسی داشته باشید! «

متن بالا توضیحی است که سینا نوریان، دانشجوی دانشگاه خودمان، در مورد برنامه‌ی خود، «برنامه هفتگی»، در مارکت بازار نوشته است. این برنامه بیش از ده هزار بار نصب فعال دارد و از طرف کاربران نمره متوسط ۴.۳ از ۵ را گرفته و تیم IT مجله این برنامه را بسیار خوب ارزیابی می‌کند. شما می‌توانید به کمک بارکد بالا آن را از بازار دانلود کنید. منتظر برنامه‌های بعدی سینا هستیم.

راه کار

استفاده از برنامه‌ها و ابزاری که از سوی سازندگان آپدیت نشده‌اند

به مرور زمان و با توسعه سیستم‌های ۶۴ بیتی بسیاری از ابزار از رده خارج شدند و یکی از این ابزارهای کاربردی پرینترها هستند.

پس از ساعت‌ها جست و جو در سایت‌های خارجی به این نتیجه رسیدم که برای استفاده دوباره از پرینترم یا باید خودم درایوری جدید برای آن بنویسم یا یک ویندوز مجازی نصب کنم. مطمئناً انتخاب من نصب ویندوز مجازی است.

ویندوز مجازی به همراه سایر نرم‌افزارهای مورد نظر را می‌توانید به طور رایگان از سایت شرکت ماکروسافت دریافت کنید. لینک زیر شما را کمک می‌کند.

<http://windows.microsoft.com/en-us/windows7/install-and-use-windows-xp-mode-in-windows-7>
امیدوارم این ترنند به شما کمک کرده باشد.



خونریزی قلبی دو سوم وب را متاثر کرده است.

(۱۹ فروردین ۱۳۹۳ و ۸ آوریل ۲۰۱۴) یک آسیب پذیری بسیار مهم در OpenSSL کشف و راه حل اجتناب از آن نیز ارائه شده است. این مشکل تقریباً به هر کس که به اینترنت دسترسی دارد، اجازه می‌دهد که اطلاعاتی از سرورهای آسیب پذیر را سرقت کند. این اطلاعات ممکن است رمز عبور کاربران یا حتی رمز عبور کل سرور باشد.

از آنجا که متاسفانه با گذشت چندین ساعت از اعلام عمومی این خطر بی سابقه در جهان، متاسفانه هنوز در ایران اطلاع رسانی لازم صورت نگرفته است و بسیاری از سایت‌ها و کاربران ایرانی در معرض تهدید و خطر جدی هستند، شرکت بیان اطلاعات مربوط به این آسیب‌پذیری را برای اطلاع و رفع سریع‌تر آن منتشر می‌نماید. متاسفانه تا لحظه‌ی انتشار این خبر مراکز دولتی و دانشگاهی کشور که خود وظیفه رصد و پیش‌گیری از وقوع این مشکل را دارند، این آسیب پذیری در آن‌ها مشاهده شده است.

این مشکل در پیاده سازی پروتکل TLS کشف شده است، و باعث می‌شود سرورهایی که از هر نوع ارتباط امن برای ارتباط استفاده می‌کنند، آسیب پذیر باشند. همه‌ی ارتباط‌ها از طریق https (که بیشتر سرویس‌های برخط ایمیل، و چت از آن استفاده می‌کنند) smtp و imap (که برای تبادل ایمیل استفاده می‌شود) و اتصال‌های امن SSH و VPN همه در معرض خطر هستند. این خطر ارتباط امن بانک‌های اینترنتی را نیز تهدید می‌کند.

این مشکل خطرناک در حقیقت اجازه می‌دهد که هر کاربری در ارتباط دو سویه‌ی امن (با TLS) بتواند (در هر اتصال) ۶۴KB از حافظه‌ی رایانه سوی دیگر ارتباط را بخواند (با تکرار این عمل می‌توان مقدار بیشتر از حافظه را استخراج کرد). این مقدار از حافظه‌ی RAM خوانده شده ممکن است شامل کلیدهای رمز نگاری یا رمز عبورهای یا هر گونه محتوای مربوط به هر کاربری باشد. ضمناً این مشکل تنها به سایت‌های https محدود نمی‌شود، بلکه هر سروری که به عنوان کاربر به https دیگر سایت‌ها نیز متصل می‌شود، آسیب پذیر است.

بر اساس گزارش NetCraft در سال ۲۰۱۴ بیش از ۶۶۰ سایت‌ها از سرورهایی استفاده می‌کنند که بالقوه این آسیب پذیری را دارند. گستره و اهمیت این آسیب پذیری به حدی است یک سایت مستقل (heartbleed.com) برای توضیح جوانب مختلف آن ایجاد شده است.

چه اطلاعاتی واقعا لو رفته است؟

تیم‌های امنیتی مرتبط با این آسیب پذیری، تست‌هایی را انجام داده‌اند و (متاسفانه) در این تست‌ها موفق شده اند اطلاعات حساس مربوط به آن سرور را (که البته یک سرور واقعی نبوده) استخراج کنند. هنوز گزارشی از انجام موفقیت آمیز این حمله بر یک سرور واقعی و حساس گزارش نشده، اما مطمئناً اگر کسی این حمله را انجام دهد، اطلاعات آن را افشا نخواهد کرد.

اگر فکر می‌کنید چون رایانه‌ی شما آسیب پذیر نیست، پس خطری شما را تهدید نمی‌کند، سخت در اشتباه هستید. هر گونه اطلاعاتی از شما که در وب وجود دارد (رمزهای عبور ایمیل، بانکی و ...) در معرض خطر است و اگر سرویس‌دهنده‌های اینترنتی سرورهای خود را بروز نکنند، خطر داده‌های کاربران را تهدید خواهد کرد. گرچه احتمال استفاده عملی از این آسیب پذیری لزوماً زیاد نیست، ولی تضمینی وجود ندارد که یک خرابکار از آن استفاده نکرده باشد.

وبلاگ شرکت بیان .

bayan.blog.ir

